پیام
جبهه ملی ایران

نشریه داخلی - تهران- ۸ مهر ماه ۱۴۰۵ خورشیدی - شماره ۲۲۷

استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است

شماره
۲۲۷

بنام خداوند جان و خرد

«ایران» نیاز به تغییر و تحول بنیادی،اما مسالمت آمیز دارد

جنگ چگونه آغاز شد و راه پایان آن چیست؟

«ایران» نیاز به تغییر و تحول بنیادی،اما مسالمت آمیز دارد

جنگ چگونه آغاز شد و راه پایان آن چیست؟

آن گونه که شواهد و قرائن نشان میدهند و به موجب مستنداتی که انکار نا پذیرند،حمله حماس و سه سازمان دیکر فلسطینی در تاریخ ۷ اکتبر۲۰۲۳ به خاک اسرائیل با اطلاع و چراغ سبز دولت اسرائیل صورت گرفته است. حمله با خشونت تمام و بی مانند، با قتل وتجاوز و کشتار بیش از هزار و صد نفر و گروگان گیری ۲۵۱ نفر صورت پذیرفت.

دولت اسرائیل به مظلوم نمایی نیاز داشت تا افکار عمومی مردم اسرائیل و همین طور جامعه جهانی را برای اجرای اهدافی که در نظر داشت و عکس العمل هایی که از پیش طراحی کرده بود،آماده سازد. چه کسانی از درون حماس وسازمان های همسو ،حماس را به چنین حمله ی شومی کشاندند؟ روشن نیست!! به دنبال حمله ای که از طرف حماس وهمراهان صورت گرفت،ارتش اسرائیل فرصت یافت تا به تهاجم همه جانبه و ویران کننده ای به نوار غزه دست بزند. در این تهاجم از ارتش اسرائیل چنان جنایت و خشونت و دد منشی سر زد که در طول تاریخ کمتر مشاهده شده است. هزاران کشته و مجروح و تخریب بنا ها و در حقیقت شخم زدن نوار غزه و قحطی و گرسنگی برای باقی ماندگان ،حاصل این تهاجم بود. ارتش اسرائیل بعد از فراغت از ویرانی نوار غزه متوجه لبنان و حزب الله گردید. تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان حدود یک سال بعد از جنگ غزه با انفجار پیجر ها و ترور رهبران اصلی حزب الله و از هم گسیختگی این سازمان همراه گردید. در این میان در تاریخ ۸ دسامبر۲۰۲۴ با فرار بشار اسد به مسکو،حکومت سوریه نیز فرو ریخت. این سلسله حوادث که زنجیره وار روی می داد،حکایت از این داشت که اسرائیل هدف نا بودی آنچه که محور مقاومت نامیده می شد را یک به یک پیش می برد. و روزی ماجرا به جمهوری اسلامی خواهد رسید. سرانجام در تاریخ ۱۳ ژوئن۲۰۲۵ مطابق با ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ اسرائیل با همراهی آمریکا با حمله ناگهانی و غافلگیر کننده هوایی و موشکی به ایران جنگ با جمهوری اسلامی را آغاز کرد. بهانه این جنگ از نظر آمریکا جلوگیری از دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی اما از دید اسرائیل از یک سو بر چیدن محوری از نیروهای نظامی که به عنوان محور مقاومت در اطرافش چیده شده بود و از سوی دیگر مقابله با اثر گذاری وطن ما به عنوان قدرتی در منطقه بوده و همچنان می باشد. در این جنگ که به مدت ۱۲ روز به طول انجامید عده ای از سران نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ترور شدند. مراکز اتمی ایران در نطنز،فردو و اصفهان مورد بمباران قرار گرفتند. ساختمان های زیادی از مراکز نظامی و امنیتی و رسانه ای ایران ویران گشت. در مقابل نیروهای نظامی جمهوری اسلامی نیز برای اولین بار خاک اسرائیل را زیر رگبار موشک ها به آتش کشیدند. و صدمات زیاد و بی سابقه ای به مراکز نظامی و تاسیسات این کشور وارد نمودند. در تاریخ سوم تیر جنگ ۱۲ روزه با آتش بس بین طرف های درگیر پایان پذیرفت. اما نه ماه بعد در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۴ حمله ناگهانی مجدد اسرائیل و آمریکا سر آغاز جنگ دوم یا جنگ ۴۰ روزه گردید. مهاجمین در لحظات اولیه جنگ دفتر رهبر جمهوری اسلامی و بسیاری از مراکز امنیتی و نظامی کشور را هدف قرار دادند. نیروهای نظامی جمهوری اسلامی هم این بار علاوه بر خاک اسرائیل ،پایگاه های نظامی آمریکا در کشورهای منطقه در بحرین، اردن،کویت،قطر،عربستان سعودی و امارات متحده عربی را با موشک و پهپاد زیر ضربات ویرانگر قرار دادند و برای نخستین بار تنگه هرمز را که در نقل و انتقال نفت و سایر کالا های مهم و استراتژیک ،نقش حیاتی و پر اهمیتی در اقتصاد جهان ایفا می کند،مسدود اعلام کردند. در مقابل آمریکا نیز تمام بنادر آیران را تحت محاصره دریایی قرار داده و تنگناهای اقتصادی شدیدی را در زمینه صادرات نفت ایران و واردات کالاهای اساسی و مورد نیاز کشورایجاد نمود. که تاوان گزاف آن را ملت ایران با بحران معیشتی بی سابقه باید بپردازد. در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ جنگ ۴۰ روزه با میانجی گیری کشورهای مصر عربستان، قطر و به ویژه پاکستان به آتش بس رسید. در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۴۰۵ تفاهم نامه ای بین جمهوری اسلامی وآمریکا امضاء شد که عمل به مفاد آن می توانست به مناقشات پایان دهد. اما این تفاهم نامه به علت باز نکردن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و حمله به کشتی ها و هم چنین تداوم حملات اسرائیل به حزب الله لبنان که مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارد،به طور کامل اجرا نشد. زد و خورد های پراکنده و تهدیدات از هر دو سو و حالت نه جنگ و نه صلح هم چنان ادامه دارد. در اثر محاصره دریایی ایران،صدور نفت نا میسر شده،قیمت دلار آمریکا از دویست و سی هزار تومان فرا تر رفته و تورم و گرانی سرسام آوری را ایجاد کرده که زندگی و معیشت ملت ایران را نا ممکن ساخته است. بالا تر از همه مضایق و گرفتاری ها،امید ملت ایران نسبت به آینده ای روشن و داشتن ثبات و امنیت به کلی سلب گردیده است. کارها راکد ،کارخانجات فلج،سرمایه گذاری و شروع به هر کار تولیدی و درآمد زا قفل گردیده است. اکثریت بزرگی از مردم ایران فقط در فکر سیر کردن خود با مواد غذایی بی کیفیت،آن هم در صورتی که توان مالی تهیه آن را داشته باشند،هستند.

از نظر میهن دوستان حمله ی خصمانه و خلاف

نه به اعدام؛ دفاع از حق حیات، عدالت و کرامت انسانی

قوانین بین المللی و عرف جهانی توسط قدرت های بیگانه به وطن عزیزمان به شدت محکوم است. اما از سوی دیگر مسئولینی که با سوء سیاست ،عدم درک روابط بین المللی و دور از منافع ملی ایران، زمینه‌ساز چنین تجاوزاتی به این آب و خاک گردیده اند نیز در برابر ملت ایران و در پیشگاه تاریخ محکومند. اگر چه با توجه به سوابق تاریخی،باید به خاطر داشت که قدرت های استعماری و سلطه گر حتی بدون داشتن هیچ بهانه ای هم، برای تامین منافع و مطامع خود،دست از توطئه و قلدری بر نداشته اند. چه رسد به آنکه بهانه های لازم نیز در اختیارشان گذاشته شود.

در درون هیات حاکمه جمهوری اسلامی نیز آن طور که دیده می شود انسجام و هماهنگی وجود ندارد. برخی که حداقلی از مسئولیت نسبت به آینده کشور و سرنوشت ملت را مد نظر دارند،خواهان پایان دادن به جنگ و اجرای تفاهم نامه و ادامه مذاکرات برای حل مسائل و مشکلات باقی مانده هستند. اما برخی جناح ها با افکار نا معقول و دور از خرد نیز هستند که مایل به رفع تنش ها و پایان در گیری ها و بحران ها نمی باشند. همان ها که کاسبان تحریم و منتفعین از بحران و جنگ شناخته می شوند . با دادن شعار های بی پایه و توخالی و ایجاد تحرکات تامل بر انگیز،راه تفاهم و پایان تنش ها را مسدود می کنند. آن دسته که به خیر و صلاح کشور و آینده ملت ایران می اندیشند باید به منبع لا یزال قدرت یعنی به نیروی ملت روی آورند. باید از اکثریت قاطع ملت یاری بطلبند و از اضمحلال این مرز و بوم و آینده ی مبهم و نا معلوم برای آن جلوگیری نمایند. راه پیموده شده رو به بن بست و نا کجا آباد است. باید مسیر را عوض کنند و به سوی مردم و خواسته های آنان باز گردند. باید زندانیان سیاسی را آزاد کنند و حقوق و ازادی های اولیه ملت را محترم بشمارند و ماشین اعدام های روزانه را متوقف نمایند. ملت ایران نیاز به فضای باز سیاسی و تفاهم با جامعه جهانی و فاصله گرفتن از تنش ها و بحران ها دارد. ملت ایران خواهان آزادی و استقلال و تغییر بنیادی ساختار و تحول مسالمت آمیز و خشونت پرهیز است. زیرا که از جنگ و خشونت و انقلاب هیچگاه به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی که مادر همه پیشرفت ها و توسعه ها ست ،نخواهد رسید. در این میان اقلیت جنگ طلب و کاسب تحریم در داخل حکومت و برخی از اپوزیسیون وابسته به بیگانه که برای یافتن قدرت در دامن بیگانگان نشسته و پرچم بیگانه در دست می گیرند و حمله به کشور و زدن زیرساخت های آن و حتی به کار گیری بمب اتمی را علیه ایران تجویز می نمایند دشمنان این سرزمین و خائنین به این کشورند.

مجازات مرگ باید صرفاً برای «جدی‌ترین جرایم» و پس از صدور حکم نهایی از سوی دادگاه صالح و مطابق تضمین‌های قانونی اعمال شود.

بنابراین، مسئله فقط این نیست که قانون داخلی یک کشور مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده باشد. وجود چنین مجازاتی در قانون داخلی، دولت را از تعهدات بین‌المللی خود دربارهٔ حق حیات و دادرسی عادلانه معاف نمی‌کند.

به همین دلیل، هنگامی که فردی در معرض اعدام قرار دارد، پرسش‌هایی اساسی باید پاسخ داده شوند: آیا اتهام دقیقاً روشن بوده است؟ آیا متهم از حق دسترسی مؤثر به وکیل برخوردار بوده است؟ آیا دادگاه مستقل و بی‌طرف بوده است؟ آیا فرصت کافی برای دفاع وجود داشته است؟ آیا ادلهٔ پرونده قابل بررسی و اعتراض بوده‌اند؟ آیا اعترافی تحت فشار، تهدید یا شکنجه به دست نیامده است؟ آیا امکان تجدیدنظر مؤثر وجود داشته است؟

سازمان ملل نیز در سال‌های اخیر بارها دربارهٔ اجرای احکام اعدام در ایران و نقض تضمین‌های دادرسی عادلانه هشدار داده است. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، در کنار نگرانی دربارهٔ شمار بالای اعدام‌ها، از مواردی سخن گفت که در آنها خانواده یا وکیل از اجرای حکم مطلع نشده بودند و همچنین نسبت به رعایت‌نشدن معیارهای دادرسی عادلانه ابراز نگرانی کرد.

در گزارش‌ها و ارتباطات اخیر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل نیز دربارهٔ پرونده‌هایی در ایران نگرانی‌هایی دربارهٔ بازداشت خودسرانه، شکنجه، اعترافات آلوده به شکنجه و صدور احکام اعدام بدون رعایت تضمین‌های دادرسی عادلانه مطرح شده است.

اگر متهم امکان دفاع واقعی نداشته باشد، اگر وکیل مؤثر در اختیار او نباشد، اگر دادگاه از استقلال و بی‌طرفی لازم برخوردار نباشد، اگر اعتراف تحت فشار حاصل شده باشد یا اگر امکان اعتراض و تجدید نظر موثر وجود نداشته باشد،مسئله فقط یک «اشتباه شکلی»نیست،بلکه اساس مشروعیت حکم زیر سئوال می رود.

اعدام فقط یک رویداد حقوقی نیست؛ رویدادی روان‌شناختی و اجتماعی نیز هست.

وقتی حکومت انسانی را به شکل رسمی می‌کشد، مرگ او از یک واقعهٔ فردی به یک پیام عمومی تبدیل می‌شود. اعدام می‌تواند برای جامعه معنای «مجازات» داشته باشد، اما هم‌زمان می‌تواند معنای دیگری نیز تولید کند: نمایش قدرت، ایجاد ترس و انتقال این پیام که حاکمیت قادر است دربارهٔ بودن یا نبودن یک انسان تصمیم بگیرد.

از منظر روان‌شناختی، تکرار خشونت رسمی می‌تواند حساسیت اخلاقی جامعه نسبت به رنج انسان را کاهش دهد. جامعه‌ای که در آن مرگ به ابزار عادی حل تعارض‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل شود، به‌تدریج با نوعی عادی‌شدن خشونت مواجه می‌شود.

برای خانوادهٔ محکوم نیز اعدام پایان یک پرونده نیست. خانواده با فقدان، سوگ، خشم، احساس بی‌عدالتی و در مواردی با ناتوانی در خداحافظی و سوگواری عادی مواجه می‌شود. اگر خانواده احساس کند که عزیزش فرصت دفاع واقعی نداشته است، سوگ می‌تواند با تجربهٔ عمیق بی‌عدالتی درهم‌آمیخته شود.

از این منظر، مسئلهٔ اعدام تنها رابطهٔ دولت و محکوم نیست؛ رابطهٔ دولت با خانواده، جامعه و حافظهٔ جمعی نیز هست.

خطر هنگامی بیشتر می‌شود که مجازات مرگ در پرونده‌های سیاسی و امنیتی به کار گرفته شود.

در چنین پرونده‌هایی، مرز میان جرم کیفری، اعتراض سیاسی، مخالفت سیاسی و تهدید واقعی علیه جان انسان‌ها باید با دقتی مضاعف بررسی شود.استفاده از عنوان‌های سنگین کیفری نمی‌تواند جایگزین اثبات دقیق عناصر جرم شود.

اگر فردی به دلیل اعتراض، بیان عقیده، شرکت در تجمع، فعالیت سیاسی یا رفتارهای مرتبط با اعتراضات به اعدام محکوم شود، پرسش دربارهٔ آزادی بیان، آزادی تجمع و تناسب جرم و مجازات نیز وارد پرونده می‌شود.

از منظر حقوق بشر، سازمان ملل در سال‌های اخیر نیز نسبت به استفاده از مجازات اعدام در ارتباط با اعتراضات و پرونده‌های امنیتی در ایران نگرانی‌های جدی مطرح کرده است. در سال ۲۰۲۶ نیز گزارش‌هایی از افزایش احکام و اجرای اعدام در پرونده‌های مرتبط با اعتراضات منتشر شده و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل بر توقف اعدام‌ها و رعایت دادرسی عادلانه تاکید کرده است.

هر انسانی که به مرگ محکوم می‌شود، پیش از آنکه «متهم»، «مخالف»، «معترض» یا «محکوم» باشد، یک انسان است؛ فرزند خانواده‌ای، صاحب خاطراتی، دارای روابط انسانی و حامل بخشی از تاریخ این سرزمین

نمی‌توان با تبدیل انسان به یک عنوان قضایی، حقیقت انسانی او را از میان برد.

فرزندان این سرزمین را نباید به نام عدالت، پیش از آنکه عدالت به‌طور واقعی و کامل دربارهٔ آنان اجرا شده باشد، از زندگی محروم کرد. حاکمیت امروز ایران مدعی است، موساد در دی ماه جنایت آفرید، پرسش بنیادین آن است جرا تا کنون یک نفر از قاتلان مردم عادی که تنها برای اعتراضی مدنی به خیابان آمده بودند مجازات نشده اند؟!

نه به اعدام؛ آری به حق حیات، دادرسی عادلانه، کرامت انسان و امکان بخشش.

سه دیدگاه درباره جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی

در مورد جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل و تجاوز آن ها به کشور ما گروه ها و احزاب و جریانات مختلف مواضعی ضد و نقیض گرفته اند که می شود آن ها را در سه موضع کُلی دسته بندی کرد.

یک رویکرد از آن سلطنت طلبان و باز ماندگان رژیم سابق است که دخالت خارجی و جنگ را تبلیغ و ترویج می کردند و آن را کمک به مردم معترض می دانستند. غافل از اینکه جنگ عاملیت را از مردم می گیرد و اعتراضات به حق آنان را به محاق می برد.

با اتکا به این دیدگاه به مردم معترض می گفتند کمک در راه است. آنان در تبلیغ و ترویج جنگ سعی می کردند مردم را به کمک خارجی امیدوار کنند. لذا از جنگ چنان استقبال می کردند که برای سقوط رژیم حتی پیشنهاد زدن زیرساخت ها را هم به متجاوزان می دادند. ولیعهد سابق، جدیدا بر مبنای توهم رهبری و خود بزرگ بینی اعتراف کرده است که اسرائیل و آمریکا با پیشنهاد و نظر او به ایران حمله کرده اند. وابستگی و دریوزگی قدرت های خارجی با بوسیدن دست نتانیاهو بیشتر از این ممکن نیست. با پایان جنگ بر هواداران آن ها و مردم ایران آشکار شد که هدف آمریکا و اسرائیل دفاع از مردم ایران و انقلاب برای سلطنت طلبان نبوده است،بلکه هدف نابودی صنایع هسته ای و پیشگیری از ساخت بمب اتمی و تضعیف قوای موشکی و نابودی نیروهای تروریستی حزب الله و حماس و حوثی ها و در گذشته حفظ و حمایت از بشار اسد بوده است. لذا آمریکا و اسرائیل بر اساس منافع توسعه طلبانه خود و خلاص شدن از زیاده خواهی ها و تنش و تشنج آفرینی ها و تحریکات جمهوری اسلامی در منطقه بوده است که جنگ و تحریکات و تهدیدات جمهوری اسلامی آمریکا و اسرائیل را ناگزیر کرد که به ایران حمله کنند. هر دو کشور برای منافع ملی خود و علاوه بر آن اسرائیل برای حفظ بقا و موجودیت خود و نابودی گروه های تروریستی منطقه در اطراف خود وارد جنگ شدند.

دسته دوم گروهی بودند که هم جنگ تجاوزکارانه را محکوم می کردند،و هم جو گیر شده و نیروهای رژیم را در جنگ، قهرمانان ملی می دانستند و بر دست و بازوی آنان بوسه می زدند. البته محکوم کردن حمله به ایران و تایید نمودن دفاع از این سر زمین منطقی و قابل قبول است .اما این دسته یادشان رفته بود که همین نیرو های حکومتی در ۴۷ سال گذشته در مقاطع مختلف، مردم،خصوصا جوانان را مثل دهه۶۰ و کشتارهای۶۷ و ۸۸،و ۹۶ و ۹۸ و۱۴۰۱و ۱۸ و ۱۹دی ۱۴۰۴ قتل عام کرده اند. نه تنها این کشتارها را فراموش کردند،بلکه شعارهای نزدیک به پنج دهه علیه آمریکا و اسرائیل و سیاست تقویت نیروهای مختلف در کشورهای منطقه برای محو اسرائیل را نیز فراموش کرده اند.

گروه سوم که اکثریت مردم و روشنفکران و روزنامه نگاران و احزاب ملی و شخصیت های سیاسی وطن دوست را تشکیل می دهند، هم جنگ و تجاوز بیگانگان به کشور را محکوم می کنند، هم جمهوری اسلامی را به سبب سیاست های مداخله گرانه و تنش آفرین و حمایت از گروه های افراطی و دشمنی آشکار با اسرائیل و آمریکا و تهدید آن ها به نابودی و حمایت مالی نظامی از بنیادگرایان تند رو مقصر می دانند. نمونه آخر آن جشن و شادی از حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر به اسرائیل بود که در خیابان ها جشن گرفتند و شادی کردند. اصلا توجه نداشتند که این حمله بهترین بهانه برای اسرائیل است تا غزه را نابود کنند و هزاران انسان شامل زنان و کودکان را قتل عام نمایند و دو میلیون دیگر را آواره کنند. و سپس به لبنان وتغییر در سوریه و سر انجام حمله به ایران بپردازند.

پیام جبهه ملی ایران
نشریه داخلی - تهران- ۸ مهر ماه ۱۴۰۵ خورشیدی - شماره ۲۲۷

شهرنوش پارسی‌پور؛ زندگی، ادبیات و جهانی‌شدن صدای یک زن ایرانی

شهرنوش پارسی‌پور از برجسته‌ترین داستان‌نویسان زن معاصر ایران بود؛ نویسنده‌ای که زندگی شخصی و ادبی‌اش در پیوندی تنگاتنگ با تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در نیمهٔ دوم قرن بیستم شکل گرفت. آثار او، به‌ویژه «طوبا و معنای شب» و «زنان بدون مردان»، از مرزهای ادبیات فارسی فراتر رفتند و به زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون راه یافتند. پارسی‌پور در آثار خود، با زبانی که میان واقعیت اجتماعی، اسطوره، عرفان، خیال و تجربهٔ زنانه حرکت می‌کند، به موضوعاتی چون آزادی، بدن، میل، سرکوب، سنت، هویت و جایگاه زن در جامعهٔ ایرانی پرداخت.

شهرنوش پارسی‌پور در ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد. علاقهٔ او به نویسندگی از نوجوانی آغاز شد و در شانزده‌سالگی نخستین داستان‌ها و نوشته‌های خود را منتشر کرد. او بعدها در رشتهٔ جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران تحصیل کرد و مدرک کارشناسی گرفت. پس از آن، برای ادامهٔ تحصیل در حوزهٔ زبان و فلسفهٔ چین به فرانسه رفت و در آنجا به مطالعهٔ فرهنگ و فلسفهٔ چینی پرداخت. دانشگاه براون هنگام اعطای دکترای افتخاری به او، بر پیوند آثارش با موضوعاتی چون جنسیت، سنت، سرکوب، شورش، کرامت و رشد انسانی تأکید کرد.او از نخستین نویسندگان زن نسل خود بود که به‌طور جدی وارد عرصهٔ رمان شد.

پارسی‌پور در سال‌های پس از انقلاب نیز بازداشت و زندانی شد. یکی از طولانی‌ترین دوره‌های زندان او حدود چهار سال و نیم بود که بدون آنکه اتهام رسمی روشنی علیه او مطرح شود، در زندان گذشت. تجربهٔ زندان بعدها به بخشی از ادبیات خاطره‌نگارانهٔ او تبدیل شد. او خاطرات این دوران را نوشت و این اثر در ترجمهٔ انگلیسی با عنوان «بوسیدن شمشیر» شناخته شده است. تجربهٔ زندان نه فقط در خاطرات او، بلکه در جهان داستانی‌اش نیز انعکاس یافت.

پس از آزادی از زندان، یکی از مهم‌ترین آثار پارسی‌پور، «طوبا و معنای شب»، منتشر شد. این رمان که در سال ۱۳۶۸ منتشر شد، زندگی زنی به نام طوبا را در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در قرن بیستم دنبال می‌کند. رمانی که مخاطبان بسیار یافت اگر چه حاکمیت آن را توقیف کرد.طوبا و معنای شب تنها روایت زندگی یک زن نیست؛ تاریخ ایران نیز در ساختار این رمان حضور دارد. ترجمهٔ انگلیسی «طوبا و معنای شب» در سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات فمینیست پرس منتشر شد .اگر «طوبا و معنای شب» جایگاه پارسی‌پور را در ادبیات معاصر ایران تثبیت کرد، «زنان بدون مردان» بیش از هر اثر دیگری موجب شناخته‌شدن او در سطح بین‌المللی شد.این اثر که در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸ منتشر شد، مسئلهٔ زن را صرفاً در سطح یک مطالبهٔ اجتماعی مطرح نمی‌کند؛ بلکه بدن و میل زنانه را به عرصه‌ای برای بازاندیشی در قدرت، هویت و آزادی تبدیل می‌کند. شخصیت‌های داستان هر یک به شکلی با قواعدی مواجه‌اند که می‌کوشند بدن و زندگی آنان را کنترل کنند. به همین دلیل، «زنان بدون مردان» در پژوهش‌های ادبی معاصر به‌عنوان اثری مهم در ادبیات زنان ایران بررسی شده است.انتشار این اثر در ایران پیامدهای سنگینی برای نویسنده داشت. کتاب ممنوع شد و پارسی‌پور بار دیگر به زندان افتاد. زنان بدون مردان بعدها به فیلمی به همین نام تبدیل شد. کارنامهٔ پارسی‌پور به این دو رمان محدود نمی‌شود. از آثار مهم او می‌توان به «سگ و زمستان بلند»، «ماجراهای ساده و کوچک روح درخت»، «طوبا و معنای شب»، «زنان بدون مردان»، «عقل آبی»، «شیوا»، «آداب صرف چای در حضور گرگ» و آثار خاطره‌نگارانهٔ او دربارهٔ زندان اشاره کرد.یکی از مهم‌ترین وجوه جایگاه پارسی‌پور، عبور آثارش از مرز زبان فارسی است. آثار او به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی، لهستانی، رومانیایی، استونیایی و مالایالم ترجمه شده است. «طوبا و معنای شب» نیز به انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، سوئدی و لهستانی ترجمه شده است.

پارسی‌پور در سال ۱۹۹۴ ایران را ترک کرد و در شمال کالیفرنیا ساکن شد. زندگی او در تبعید، اگرچه او را از فشار مستقیم سانسور و زندان دور کرد، به معنای گسست فرهنگی از ایران نبود. برعکس، ایران، زبان فارسی، ادبیات ایرانی و وضعیت زنان ایرانی همچنان در مرکز اندیشه و گفتار او باقی ماند. در سال‌های پایانی زندگی، او بارها دربارهٔ تغییرات اجتماعی ایران و به‌ویژه زنان ایرانی سخن گفت. در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۲۶، با وجود سال‌ها زندگی در آمریکا، همچنان خود را عمیقاً درگیر سرنوشت زنان ایران می‌دانست و معتقد بود که زنان ایرانی در حال ایجاد تغییرات عمیق اجتماعی‌اند.از این منظر، «ایران‌دوستی» پارسی‌پور را نباید صرفاً به معنای تعلق جغرافیایی یا سیاسی فهمید. تعلق او بیشتر به زبان، فرهنگ، ادبیات، حافظهٔ تاریخی و مردم ایران بود؛ به‌ویژه زنانی که تجربهٔ آنان بخش بزرگی از ادبیات او را ساخته‌اند. پارسی‌پور در طول زندگی ادبی خود جوایز و تقدیرهای مختلفی دریافت کرد.

در جایگاه یک سوژه ی سیاسی، شجاعانه پیوسته در ایران و خارج از ایران بی پروا استبداد دینی و حاکمیت غیر قانونی و استبدادی را نقد می کرد و به تنگناهای آن تن نمی داد و در افشاگری جنایاتش کوتاهی نمی ورزید، اما از دیگر سوی نیز میهن گرایانه در برابر تجاوز بیگانه به خاک میهن موضع می گرفت و اعتراضش را بی پروا بیان می داشت.

شهرنوش پارسی‌پور در ۳ ژوئیهٔ ۲۰۲۶، در هشتادسالگی، در کالیفرنیا درگذشت.

اصول اعتقادی جبهه ملی ایران برگرفته از اساسنامه

اصل اول- حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی میهنی، استقلال سیاسی و استقرار حاکمیت ملی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم- تلاش برای تامین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به‌ویژه آزادی عقیده و بیان، آزادی احزاب، انتخابات، مطبوعات و کوشش برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد و موازین حقوق بشر.

اصل سوم- تاکید بر جدایی دین از حکومت به منظور فراهم نمودن امکان بهره‌مندی از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران.

اصل چهارم- استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی از طریق رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم- صیانت از حقوق شهروندی برابر و حمایت از اعتقادات، آداب و رسوم، و فرهنگ و هنر اقوام و همه‌ی مردم ایران.

اصل ششم- تقویت، پاسداری و گسترش زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و رسمی و مشترک ایرانیان ضمن احترام و تاکید بر محافظت از زبان‌ها و گویش‌های مختلف اقوام ایران زمین.

اصل هفتم- اتخاذ سیاست خارجی مستقل جهت حفظ مصالح و منافع ملی (موازنه منفی) و حفظ تمامیت ارضی کشور، پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه، و مخالفت با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

اصل هشتم- حفاظت و حراست از محیط زیست کشور به‌ویژه نگهداری از جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، تالاب‌ها، حیات وحش، و هوای پاک بر اساس اصول علمی و سیاست‌گذاری صحیح و کارشناسی شده.

پیام جبهه ملی ایران
نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران
با یاد
دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
http://jebhemeliiran.org
E-mail:info@jebhemeliiran.org